



دانشگاه جامع علمی کاربردی

مرکز آموزش عالی علمی کاربردی فرهنگ و هنر واحد ۶ تهران

نام درس :

آشنایی با تاریخ معماری تزئینی ایران و جهان

مدرس: شیما احمد صفاری

پاییز ۱۳۹۸

معماری ایران

عمر هنر در ایران به قدمت تاریخ است و معماری از کهن‌ترین هنرها است. رونق و اعتلای معماری در ایران از دوران باستان گواه آن است که این سرزمین از کانون‌های نخستین شهرسازی و نیز سدسازی و مهندسی بوده است که نمونه آن بناهای مختلف و سدهای باستانی و دهکده‌های متعدد در جای جای خاک این کشور است. آثاری که جسته و گریخته از میان نوشته‌های باستان‌شناسی و شرق‌شناسان به دست می‌آید روشنگر آن است که هنر و معماری از ۵۰۰۰ سال قبل در این مرز و بوم ریشه دوانده است. نظری اجمالی به معماری ایران در عهد باستان این ویژگی را آشکار می‌سازد که معماری ایرانی بر سه اصل استحکام، آسایش و انبساط پایه‌گذاری شده است. معماری ایرانی در طی تاریخ خود دارای اصالت طرح و سادگی توأم با آرایش و تزیین بوده است. تمامی گستره ایران به ویژه روستاها و آثار قدیمی و باستانی آن چون کتاب زنده اما فرسوده‌ای از تاریخ معماری و هنر است که هر برگ از این کتاب در لحظه‌ای کوتاه دروازه چندین هزار سال تاریخ را بر روی تماشاگر می‌گشاید. کمتر روستایی در ایران وجود دارد که در آن معابر باستانی ناهید یا قلعه گبری و قلعه سلسال (صلصال) با طاق‌های ضربی و یا هلالی به چشم نیاید و در آن از بقعه‌ها و امامزاده‌ها و یا قلعه‌های معروف که مضمونی افسانه‌ای و تاریخی را در خویش نهفته‌اند اثری نباشد، برای مثال می‌توان به قلعه مرو و قلعه اصفهان و یا قصر کیاکسار پادشاه ماد در همدان، کاخ پاسارگاد و تخت جمشید یا پارسه، آثار شوش، ایوان مدائن یا طاق کسری در تیسفون اشاره کرد. معماری ایرانی از دیرباز تاکنون، پیوسته در ارتباط با مسائل گوناگون، به ویژه علل مذهبی، توسعه و تکامل یافته است. معماری ایرانی به عنوان یکی از معروف‌ترین سبک‌های معماری در جهان شناخته شده است که در مقایسه با کشورهای دیگر جهان ارزشی ویژه دارد. شکوه معماری ایرانی به دلیل ویژگی‌هایی چون طراحی مناسب، محاسبات دقیق، فرم درست پوشش و رعایت مسائل فنی و علمی در بنا است که در عناصر معماری ایرانی نمود پیدا کرده‌اند.

عناصر معماری ایرانی از قدمتی ۳۰۰۰ ساله برخوردارند. این عناصر از تالار گوردخمه‌ها گرفته تا سقف چهارطاقی‌ها و چهار ایوانی‌ها همواره در دوره‌های مختلف حضور دارند. عناصر معماری ایرانی نه تنها از نظر تنوع، پهنه وسیعی را در برمی‌گیرند، بلکه فراتر از مرز جغرافیایی ایران امروزی نمودی بارز دارند.

*دوره هخامنشیان

شاهان هخامنشی در عرصه وسیع سرزمین خود از مهارت و استادی هنرمندان ممالک تحت فرمان خویش بهره می‌گرفتند و از این جهت در آثار معماری و صنعت ایران در دوره هخامنشی تاثیر سایر ملل نیز دیده می‌شود، چنانچه داریوش می‌گوید در بنای قصر او صنعتگران بابلی، لیدی، مادی و مصری خدمت می‌کرده‌اند و مصالح ساختمان‌ها از فواصل دوردست می‌آمده است. استفاده از تجربیات و سنن ملل تابعه نه به صورت تقلیدی و پیروی، بلکه به گونه بازآفرینی و الهام‌پذیری خلاقه، مختص دوره هخامنشی نیست بلکه مادها نیز پیش از آن از تجربه «اوراتویی» ها استفاده بسیار بردند. معماری دوره هخامنشیان ادامه یک هنر ملی بود. اصالت این هنر در قصر «کیاکسار» پادشاه ماد در همدان جلوه کرد و کوروش در ادامه آن قصر پاسارگاد را در هشتاد کیلومتری تخت جمشید بنا کرد. به جرات می‌توان گفت تخت جمشید یکی از بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین بناهایی است و قبل از معمول شدن آهن ساخته شده است و دارای سقف و ستون‌های چوبی بسیار بوده است.

سقف ساختمان از چوب سدر لبنان و بلوط ساخته شده و برستون‌های حاشیه‌دار که سرستون‌های آراسته‌ای آنان را تزیین می‌کرد تکیه داشته است.

*معرفی اجزا و عناصر سبک معماری هخامنشی

معماری هخامنشی در خود عناصر بسیاری، از دیگر سرزمین‌ها را پرورانده است. انطباق این اجزا با یکدیگر و تغییر آنها برای بهره‌برداری در شرایط جغرافیایی و بومی پارسیان خود بی‌شک هنر این مردم محسوب می‌شوند. آنان بناهای خود را بر روی صف‌های بزرگ ساختند و سقف این سازه‌ها را با ستون‌های بلند بالا بردند. از اجزای مختلف به کار رفته در ساختمان‌های هخامنشی می‌توان به صف‌سازی در زیر بنا، ساخت آپاداناها، ستون‌های عظیم، برج‌های گوشه‌ای، دروازه یادمانی، معماری پیکره‌ایی، مصالح و تزیین‌ها اشاره کرد.

*صف‌سازی

آن چه که ایرانیان به عنوان سکویی در زیر بناهای خود می‌ساختند به صف‌ مشهور شده است. بناهای اصلی نوشیجان نیز بر روی صف‌ ساخته شده‌اند. این سنت دوران گذشته در دوران هخامنشی هم متجلی شده و بناها را بر روی صف‌ها می‌ساختند. داریوش برای مصطبه‌سازی تحت تأثیر سکوه‌های اولیه در دوران هخامنشی قرار گرفت که در جاهای گوناگون از جمله پاسارگاد پیدا شده است. ایجاد صف‌ در زیر بنا علاوه بر این که سطح زیر بنا را صاف و یکدست می‌کند، مانع از نفوذ رطوبت در بنا می‌شود. در کاوش‌های شوش، پاسارگاد و تخت جمشید حفاران نمونه‌هایی از صف‌سازی را به دست آورده‌اند.



*آپادانا

قدمت آپادانا ستوندار حدود ۳۸۰۰ پ.م تخمین زدند. ساخت تالار ستوندار حسنلوی V به ۱۴۵۰ ق.م باز می‌گردد و در طبقه چهارم این محوطه مراحل گسترش و پیشرفت خود را طی نموده است. اما تنها در دوره ماد است که تالارهایی با بیش از دو ردیف ستون ساخته می‌شود و از چنان جایگاهی در معماری این دوره برخوردار است که از همان ابتدا معماری هخامنشی تبدیل به هسته مرکزی معماری این دوره شد و به شیوه متکامل‌تری در گستره امپراتوری مورد استفاده قرار گرفت. تالار مرکزی آپادانا تخت جمشید «بزرگترین و با شکوه‌ترین کاخ داریوش آپادانا بوده است که بنایش در حدود ۵۱۵ ق.م آغاز شد و تکمیل آن سی سال به طول انجامید».

دهانه غلامان	برازجان	تخت جمشید	شوش	پاسارگاد

*ستون

قدیمی‌ترین بنای ستون‌داری که در ایران شناخته شده در سگزاباد است. ستون‌ها هم زمان با تالار ستوندار در ایران به وجود آمده‌اند. زیرا آن چه که آپاداناها و به عبارت دیگر تالارهای ستوندار هخامنشی را هویت بخشید ستون است. استفاده از ستون‌های چوبی در معماری ایران از هزاره ششم ق.م گزارش شده است. در بنای حسنلو بدنه همه ستون‌ها چوبی ولی پایه ستون‌ها از سنگ بوده است.

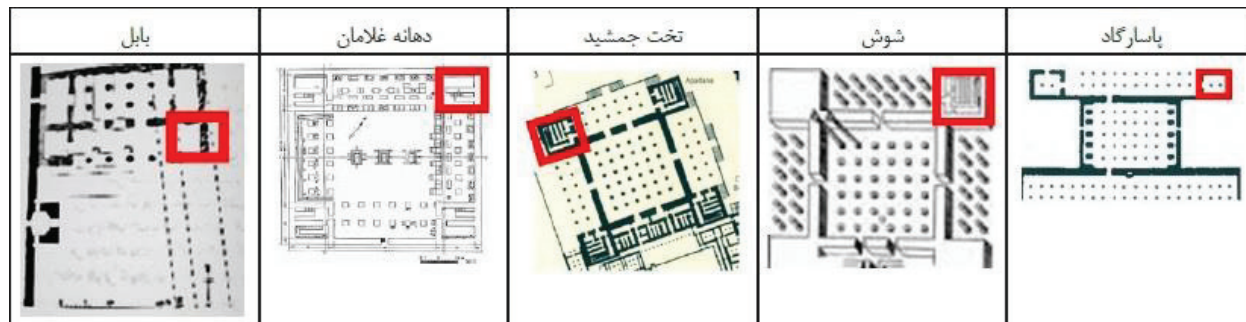
برازجان	تخت جمشید	شوش	پاسارگاد
کاختی	بنجامین	بابل	لیدوما

تخت جمشید	شوش

پایه ستون و پایه سرستون

*برج‌های گوشه‌ای

آنچه را که به عنوان سومین نشانه از سبک معماری هخامنشی از آن نام می‌بریم، برج‌های گوشه‌ای هستند که در ۴ طرف تالارهای ستوندار هخامنشی وجود دارند؛ کاربرد این برج‌ها مشخص نیست. این برج‌ها در پلان‌های پاسارگاد، شوش، تخت جمشید، و دهانه غلامان ... به چشم می‌آیند.



*دروازه یادمانی

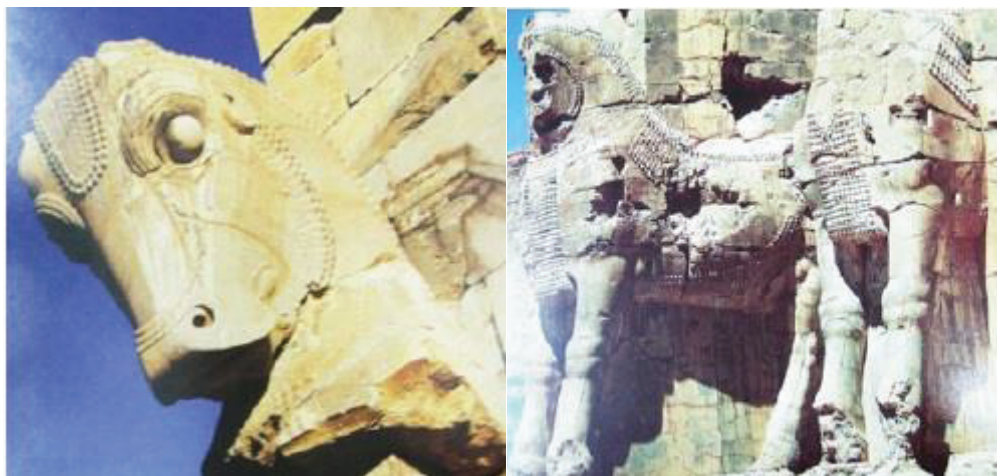
یکی دیگر از نشانه‌های هخامنشی استفاده از بناهایی با نام دروازه‌های یادمانی برای ورود به مجموعه است. دربارهٔ مدخل ورودی در تخت جمشید می‌خوانیم، پس از عبور از پلکان ورودی و آمدن به بالای صفا اولین بنایی که به چشم می‌آید، در فاصلهٔ ۱۵ قدمی پلکان اتاقی است به وسعت ۶۲۵ مترمربع که سقف آن بر روی ۴ ستون قرار داشت که اینک ۲ ستون آن باقی مانده است. این تالار را می‌توان تالار ورودی یا اتاق انتظار نامید. دارای سکوه‌های سنگی در چهار طرف بود که قسمت‌هایی از آن از زیر خاک بیرون آورده شد و در جای خود نصب است. کتیبه‌ای از خشایارشا در این بنا وجود دارد که می‌گوید: «هر چه در سراسر پارس زیباست من کردم و پدرم کرد، همگی به لطف اهورامزدا انجام گرفت». دربارهٔ دروازه ورودی در شوش گفته شده «در شوش دسترسی به جاده ساحلی مرتفعی که کاخ آپادانای داریوش بر روی آن ساخته شده از طریق دروازه‌ای بوده که خود او بنا کرده بود».



*معماری پیکره‌ای

یکی از ویژگی‌های معماری هخامنشی که آن را از دیگر دوره‌ها متفاوت می‌کند، استفاده از معماری پیکره است. این معماری بر مبنای ساخت حیوانات ترکیبی شکل گرفته و می‌توان آن را نوعی معماری آیینی تلقی کرد. استفاده از این حیوانات در دروازه‌ها، و سرستون‌های هخامنشی مربوط به این دوره نیست و می‌توان آثاری از این نوع را در دوران هیتی‌ها

در آسیای صغیر و در معماری آشور در بین النهرین ملاحظه کرد. در دوران هخامنشی از انواع پیکره‌ها به عنوان سرستون استفاده می‌کردند؛ از شکل‌هایی چون گاومرد به شکل گاو، شیردال (عقاب شیر) به شکل شیر.



*مصالح

هخامنشیان از مصالح متعددی استفاده می‌کردند؛ پی‌سازی با سنگ لاشه، نماسازی بیرونی با سنگ تراش و نماسازی درونی با کاشی لعابدار. به طور کلی ساختمایه اصلی هخامنشی سنگ بریده و منظم و با تراش و گاه صیقلی و از بهترین و مرغوبترین ساختمایه‌ها است. پارسیان ستون‌ها را از سنگ و دیوارهای گرداگرد تالار را از خشت می‌ساختند. آنها با به کار بردن خشت و پوشش دو پوسته تلاش می‌کردند جلوی ورود گرما به درون را بگیرند. علاوه بر این مصالح، هخامنشیان دیگر مواد و مصالح خود را از کشورهای اطراف و یا ساتراپ‌های تابعه تهیه می‌کردند که در کتیبه‌های داریوش هخامنشی اسامی تعدادی از این ایالت‌ها مانند پارس، بابل، عربستان پارت و هرات، اوراتو، ماکا (پیکران) آمده است. آنچه که امروز از معماری هخامنشی بعد از گذر قرن‌ها باقی مانده تنها آثار سنگی است، در حالی که با استفاده به کتیبه‌های داریوش در شوش می‌توانیم از مصالح دیگر آگاهی یابیم. عموماً در معماری هخامنشی از سنگ استفاده می‌شد و مانند بیشتر مناطق در قسمت جنوبی کشور از خشت برای بالا بردن دیوارها بهره می‌گرفتند و در هر جا که لازم بود از چوب از جمله در سقف‌ها و ساخت درها استفاده می‌کردند.

*تزیین‌ها

تزیین‌های زیبایی برج‌ها مانده از دوران هخامنشی طیف بزرگی از هنرهای این دوران را به نمایش می‌گذرد که می‌توان آنها را نشانگر شکوفایی هنر در دوران هخامنشی دانست. اولین نوع تزیین در کاخ‌های هخامنشی استفاده از سنگ تراشی در دیوارها و ورودی‌ها است. استفاده از آجرهای لعابدار یکی دیگر از تزیینات هخامنشی است. در شوش نیز مانند پاسارگاد تالار آپادانا زیر حمایت فرشتگان نیکوکار قرار گرفته و بعضی از آنها در میان برگ‌های نخل و خرما و گل‌های پنج‌پر قرار دارند و یا در جای دیگر از ردیف شیران و سربازان گارد جاویدان بر روش کاشی‌های لعابدار کاخ شوش سخن به میان آورده می‌شود. نقاشی یکی دیگر از هنرهای تزیینی در این دوران است. از جمله شواهد برج‌ها مانده از نقاشی دوران هخامنشی می‌توان به آثار موجود در دهانه غلامان اشاره کرد. اگر چه رنگ‌های این برجسته‌کاری‌ها (تخت جمشید) تا امروز حفظ

نشده است، ولی مدارکی وجود دارد که آنها در اصل رنگی بوده‌اند. در مجموع با بررسی کتیبه‌های هخامنشی و آثار باستان‌شناسی برجامانده می‌توان به این نکته اشاره کرد که هخامنشیان در تزیین‌های کاخ‌های پرشکوه خود از تمامی تزیین‌های در دسترس بهره جسته‌اند؛ از سنگ‌تراشی‌ها و گچبری‌ها و نقاشی‌های زیبا تا زینده کردن این آثار با سنگ‌های گرانبها و فلزاتی مانند نقره و طلا. در این میان آثار گچبری در تزیین بناهای هخامنشی نقش ویژه‌ای دارند. یک عامل تازه در تزیین معماری نمای ساختمان‌ها، گچبری مقعر کتیبه‌هاست که در ابتدا در کاخ داریوش مشاهده گردید.»



نقش برجسته سربازها، تخت جمشید

نقش برجسته نبرد شیر با گاو



آجر لعابدار

نقش برجسته، فرشته بالدار، پاسارگاد

*دوره اشکانیان

اشکانیان یا پارتیان در حدود ۲۵۰ سال پیش از میلاد مسیح، پس از سلوکیان در ایران به قدرت رسیدند. آنها در اوایل از شیوه‌های هنر یونانی پیروی می‌کردند. اما پس از مدتی به هنر معماری به ویژه به معماری سنتی و ملی ایران تمایل نشان دادند. در دوره اشکانیان، معماری مبنای اصلی خود را از آداب و اصول قبایل چادرنشین پارتی در برپایی اردوگاه‌ها گرفت. حیاط‌های چهارگوش مرکزی با ایوان‌های چهارسوی آن به عنوان مظهری از معماری پارتیان به بین‌النهرین برده شد. در این دوره از معماری رسمی ایران، ساختن گنبد متداول گشت.

در معماری پارتی پس از شکوفایی دولت اشکانی به نمای ساختمان توجه بسیاری شد و می‌کوشیدند آثار هنری را بر دیوارها، در معرض دید متمرکز کنند. نقاشی دیواری توسعه یافته و تزئینات آمیخته‌ای بود از نقاشی و گچبری، که نمونه بسیار زیبایی آن در معبد کوه خواجه در وسط دریاچه هامون در سیستان به دست آمده است. اشکانیان در معماری خود از طاق گهواره‌ای، قوس و رگچین با سنگ قلوه و برجسته‌کاری تزئینی استفاده می‌کردند.

از ویژگی‌های معماری و هنر این دوره انتقال برخی از عناصر معماری و هنر است که به دوره بیزانس و ساسانی منتقل شده است. شاید تاریخ معماری «طاق دار» که در ایران بسیار معروف است از دوره اشکانیان آغاز شده و در دوره ساسانیان تکامل یافته باشد که نمونه‌ای از آن را در بنای طاق‌گرا واقع در دامنه کوه «طاق» در کنار راه کرمانشاه به سرپل ذهاب که ترکیب طاق گهواره‌ای است، می‌توان دید.

جلوه مهم هنری دیگر معماری این عصر، استفاده از هنر گچبری در بناهاست. این امر رواج بسیاری داشته و نقوش آن تلفیقی از سبک یونانی و هخامنشی بوده است. گچبری دیوارهای مکشوف در آشور، اوروک در عراق و کوه خواجه در سیستان بهترین‌های این هنر در عهد اشکانیان محسوب می‌شوند. رونق هنر گچبری در دوران پارت‌ها بیشتر به سبب وفور گچ معدنی و سهولت کار با آن بوده که رغبت بیشتری در استفاده از این روش تزئینی را باعث شده است. در آن روزگار ملات گچ به سهولت بر دیوار کشیده می‌شد و به سرعت خود را می‌گرفت و سفت می‌شد، لذا هنرمندان اشکانی به سرعت و سهولت می‌توانستند سطح وسیعی را با نقش و نگاره‌های زنجیره‌ای بپوشانند.



نقاشی دیواری، کوه خواجه، سیستان، دوره اشکانی



نقش برجسته، پالمیر، سوریه ۲۲۰ میلادی



نقاشی دیواری، کوه خواجه، سیستان، دوره اشکانی